



سال دهم / زمستان ۱۴۰۰

تبیین جامعه‌شناختی تأثیر مؤلفه‌های سه‌گانه ترجیح قومی، گرایش قومی و قوم‌مداری بر مشارکت سیاسی شهروندان (مورد بررسی شده: جمعیت نمونه‌ای استان بوشهر)

• عابدین عابدی زاده^۱، سید یعقوب موسوی^۲، حسن محدثی گیلوایی^۳، مجید کفاشی^۴

DOR: 20.1001.1.38552322.1400.10.41.15.0

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر مؤلفه‌های قوم‌گرایی بر مشارکت سیاسی شهروندان استان بوشهر انجام شده است. در این تحقیق مؤلفه‌های قوم‌گرایی شامل ترجیح قومی، گرایش قومی و قوم‌مداری است که در چارچوب هدف کاربردی و از نظر نوع تحلیل، توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق همه شهروندان استان بوشهر در نظر گرفته شده‌اند. مطابق سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد آن‌ها یک میلیون و ۱۶۳ هزار و ۴۰۰ نفر برآورد شده است. حجم نمونه تحقیق با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر استخراج شد. هم‌چنین با کاربرد روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی پرسشنامه محقق ساخته به اجرا درآمد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تأثیر مؤلفه‌های متغیر قوم-گرایانه شامل ترجیح قومی، گرایش قومی و قوم‌مداری بر مشارکت سیاسی شهروندان استان بوشهر به ترتیب به میزان ۲۵٫۳٪، ۲۶٫۸٪، ۱۴٫۵٪ و تأثیر متغیر اصلی تحقیق یعنی قوم‌گرایی بر مشارکت سیاسی ۳۶٫۸٪ به دست آمده است. این پژوهش در راستای اهمیت استان‌های مرزی کشور به لحاظ مشارکت سیاسی انجام شده است.

واژگان کلیدی: قوم‌گرایی، مشارکت سیاسی، ترجیح قومی، گرایش قومی، قوم‌مداری.

۱ گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

Abedin_Abedizadeh@yahoo.com

۲ گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ y.mousavi91@alzahra.ac.ir

۳ گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ mohaddesi2010@gmail.com

۴ گروه جامعه‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ majidkaffashi@gmial.com

بیان مسئله

لازمه زیست مسالمت‌آمیز جوامع قومی سهیم کردن همه اقوام در مقوله شهروندی و نظام اجتماعی است. این امر نیازمند تربیتی است تا سهولت زندگی اقوام به شیوه شهروندی فراهم شود. مطالبات شهروندی و ایجاد زمینه مناسب برای بهبود شرایط اجتماعی-سیاسی آن‌ها همواره باید از سوی نظام اجتماعی-سیاسی زنده مورد توجه قرار گیرد. از مباحث مهم در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی، بررسی تأثیر گروه‌های اجتماعی به‌ویژه گروه‌های قومی بر مشارکت سیاسی جوامع است. این موضوع که مدیریت سیاسی جامعه در قبال گروه‌های قومی در برنامه‌های توسعه از چه سیاستی پیروی می‌کند و تا چه اندازه‌ای گروه‌های قومی مورد توجه قرار می‌گیرند، از مسائلی است که در این حوزه به آن باید پرداخته شود (نوربخش، ۱۳۸۷: ۷۰). از سوی دیگر، تعلق هویتی به قومیت در صورت عدم ساماندهی می‌تواند به تعارض و گسستگی مشارکت سیاسی-اجتماعی منجر شود. حضور اقوام و مشارکت فعالانه آنان همیشه یکی از مهم‌ترین موضوعات حساس کشورهای چند قومیتی بوده است، به عبارتی اساس سیاستگذاری و مدیریت قومی، ایجاد یک نوع موازنه و تعادل میان علایق قومی و ملی است. تا زمانی که هم‌وزنی جوامع چند قومی با فرهنگ‌های متکثر حاصل نشود هرگز نمی‌توان به قوام و دوام زیست مشارکتی در این ملت‌ها امید بست و به یک همبستگی ملی دست‌یافت. دستیابی به نظمی اجتماعی سیاسی مستلزم مهندسی اجتماعی گروه‌های قومی مختلف در چارچوبی سیاسی است به‌گونه‌ای که بتوان یک اجتماع ملی جامع و پایدار شکل داد که شهروندان در هر منطقه قومی با اشتیاق در امر سیاسی مشارکتی فعالانه داشته باشند در غیر این صورت به همان اندازه که مشروعیت سیاسی و مشارکت قومیت‌ها کمرنگ‌تر باشد ثبات سیاسی یک نظام آسیب خواهد دید.

مشارکت در امور سیاسی جامعه یکی از مباحث مهم جامعه‌شناسی سیاسی است. این مشارکت در ابتدا از سرشت اجتماعی انسان نشأت می‌گیرد. مشارکت سیاسی نوعی تعهد و قبول مسئولیت سیاسی-اجتماعی است که همه افراد انسانی برای ایجاد جامعه توسعه‌یافته ناگزیر به پذیرش آن هستند. این تعهد و همراهی ممکن است یا در قالب فعالیت‌های مدنی یا به صورت کنشگری سیاسی در قالب تشکیل احزاب سیاسی انجام پذیرد. یکی از بارزترین نمونه‌های مشارکت مردمی، مشارکت در انتخابات است. مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاستگذاری عمومی

است. به بیانی دیگر، مشارکت سیاسی عبارت است از ورود به عرصه‌ای که به تحقق یک اراده جمعی منجر شده، یا مانع تحقق آن اراده جمعی می‌شود. می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین مسائل در بحث مشارکت سیاسی، توجیه افراد و گروه‌های قومی و اجتماعی است که همواره نسبت به مسائل سیاسی جامعه خویش منفعلانه برخورد می‌کنند. از این رو به نظر می‌رسد پژوهش درباره وضعیت گروه‌های قومی به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی جوامع به دلایلی که ذکر شد می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. این پژوهش می‌کوشد تا ضمن شناخت و بررسی وضعیت گروه‌های قومی استان بوشهر مشخص کند قوم‌گرایی تا چه میزان بر سطح مشارکت سیاسی شهروندان این استان تأثیر دارد. فرض اساسی نیز این است که «قوم به‌مثابه یکی از گروه‌بندی‌های فراملی در نقش پدیده‌ای اجتماعی» واجد خصلت‌هایی است که گرایش به آن مشارکت سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (فرهادی و کاظمی، ۱۳۹۲: ۵۷۲).

هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیر قوم‌گرایی بر مشارکت سیاسی شهروندان است. اهداف فرعی نیز عبارت‌اند از: بررسی تأثیر ترجیح قومی بر مشارکت سیاسی شهروندان، بررسی تأثیر گرایش قومی بر مشارکت سیاسی شهروندان و بررسی تأثیر قوم‌مداری بر مشارکت سیاسی شهروندان.

استان بوشهر از استان‌های مرزی کشور با تمدنی چند هزارساله است. این استان از نظر موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک همواره مورد توجه دولت‌های داخلی و خارجی بوده است. بوشهر ۹۰۰ کیلومتر مرز آبی دارد که بیشترین مرز آبی کشور است و همواره در ارتباط با فرهنگ‌های مختلف داخلی و خارجی بوده است. همین امر منجر به تغییر و تحولات اساسی در آن شده است. از این رو بررسی و پژوهش در شناسایی ترکیب جمعیت قومی این استان برای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌های مشارکت سیاسی شهروندان ضرورت دارد. در استان بوشهر قومیت‌های مختلفی از لر، عرب و فارس با فرهنگ و گویش‌های متفاوتی با یکدیگر در حال زندگی هستند. در طول تاریخ علاوه بر نژاد سیاه‌پوست‌های دراویدی، سامی‌ها، ایلامی‌ها، سومری‌ها، نوردیک‌ها و عرب‌ها نیز در این خطه زندگی کرده‌اند. از دیرباز بیشترین ارتباط و مبادلات تجاری، اقتصادی و فرهنگی مردم سرزمینی که امروزه استان بوشهر خوانده می‌شود با همسایگان عربی یعنی عربستان، امارات، قطر، بحرین، عراق و حتی کشورهای دورتری چون آفریقا و اروپا بوده است و این ارتباط به دلیل ظرفیت‌های دریایی همچنان ادامه دارد؛ از طرفی

به دلیل قرار گرفتن در نوار ساحلی خلیج فارس و به تبع آن سهولت ارتباط از طریق دریا با سرزمین‌های دورتر، امکان ارتباط و تعامل اقتصادی و فرهنگی برای آن‌ها فراهم بوده است. بعدها و به هنگام شکل‌گیری شهرهای استان بوشهر به‌ویژه بندر بوشهر، گروه‌های دیگری از اقوام داخلی ایران از جمله عرب‌ها و لر‌ها از استان‌های مختلف کشور با فرهنگی متفاوت به این منطقه مهاجرت کرده‌اند که در اثر اختلاط با اقوام قبلی، یک نوع فرهنگ و قومیت خاص بوشهری را شکل داده‌اند. با توجه به وجود اقوام مختلف با فرهنگ ویژه خود، زبان مردم استان بوشهر هرچند فارسی است، اما گویش‌های متنوع در مناطق مختلف آن رایج است.

مسئله اساسی دیگر در جوامع چند قومیتی، چگونگی سامان‌دهی تعاملات، روابط و پیوندهای گروه‌های قومی مجموعه حاکمیت ملی از یک‌طرف و ارتباط اقوام با یکدیگر از طرف دیگر است. به عبارتی شیوه نگاه حاکمان و نوع توزیع منابع، فرصت‌ها و سازوکارهای حل کردن کشمکش و اختلافات قومی در جوامع چند قومیتی به نوع نگرش و موضع دولت از ملت و سیاست‌هایی دارد که دولت‌های متبوع نسبت به اقوام درون جامعه خود در پیش می‌گیرند. سهم‌خواهی از قدرت سیاسی، مطالبات اقتصادی و اجتماعی تقاضاهایی است که اقوام استان بوشهر همواره دنبال کرده‌اند؛ بنابراین دولت با وضعیتی از تقاضاهای ماهیتاً متنوع و متراکم در حوزه اقوام مواجه است. این پژوهش درصدد است به تبیین میزان و تراز تأثیرگذاری قوم‌گرایی با در نظر گرفتن مؤلفه‌های اصلی آن یعنی ترجیحات قومی، گرایش‌های قومی و نیز قوم‌مداری که مقولات بنیادین در بیان هویت و ساختار قومیت در این استان است بر تمایل و انگیزه ساکنین آن بر مشارکت سیاسی به‌طور عام و خاص بپردازد. درنهایت انجام چنین پژوهشی گذشته از نتایج کاربردی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی منطقه می‌تواند از حیث نظری نیز مهم باشد؛ چراکه با توجه به میان‌رشته‌ای بودن موضوع قومیت و مشارکت سیاسی ضرورت دارد که با استفاده از علوم مختلف نظیر جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی و مدیریت به بازتعریف این رابطه پرداخته شود تا نهایتاً به تولید دانش جدید و بومی منجر شود که قطعاً بهره‌برداری از آن برای برطرف کردن نیاز جامعه نیز مفید خواهد بود.

رویکرد نظری

مشارکت سیاسی: مشارکت سیاسی شرکت فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی است و در اصلاح به معنای مساعی سازمان‌یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر ترکیب هدایت سیاسی دولت است؛

یعنی مردم در انتخاب رهبران سیاسی جامعه و سیاستگذاری‌ها فعالانه حضور داشته و خود را نسبت به حکومت و سیاست‌های آن بیگانه احساس نمی‌کنند. به عبارت دیگر مردم با انتخاب رهبران و تأیید سیاست دولت هدایت آن را بر عهده می‌گیرند (راش، ۱۳۷۷).

تعریف ناظر بر مشارکت سیاسی، بر نقش مشارکت در سلسله‌مراتب قدرت تأکید دارد. شاید ساده‌ترین و جامع‌ترین تعریفی که از مشارکت سیاسی بتوان ارائه داد این باشد که مشارکت سیاسی فرآیندی است که مجموعه افراد جامعه با شرکت در تصمیم‌گیری‌ها در اداره و سازماندهی جامعه سهیم می‌شوند. یعنی مشارکت سیاسی عبارت است از شرکت در فراگردهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی منجر می‌شود و سیاست عمومی را تبیین می‌کند یا بر آن تأثیر می‌گذارد. مشارکت سیاسی در پی فرایند اجتماعی‌شدن انسان‌ها و دخالت در امور مدیریت سیاسی کشورها وارد ادبیات سیاسی نظریه‌پردازان دنیای سیاست شد.

از قرن شانزدهم میلادی به دنبال فروپاشی نظام سیاسی کلیسا و ورود نظریه قرارداد اجتماعی به مباحث سیاسی و تأکید متفکران عصر روشنگری بر نظریه قرارداد اجتماعی، مشارکت سیاسی (به معنای درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی) با اجتماعی شدن سیاست رابطه نزدیکی پیدا کرد. دایره‌المعارف علوم اجتماعی مشارکت سیاسی را عبارت از فعالیت‌های داوطلبانه‌ای دانسته است که اعضای یک جامعه برای انتخاب حکام به گونه مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌گیری سیاست‌های عمومی انجام می‌دهند. همچنین مشارکت سیاسی به شرکت در فراگردهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی می‌انجامد و سیاست عمومی را تعیین می‌کند یا بر آن اثر می‌گذارد نیز تعریف شده است. صاحب‌نظران سیاسی مشارکت سیاسی را یکی از شاخصه‌های جامعه دموکراتیک می‌دانند. هر جامعه‌ای که ادعای دموکراتیک بودن دارد، اما نتواند مشارکت مردم را در اعمال حاکمیت از طریق نهادهای مدنی و تشکل‌های سیاسی فراهم کند ادعای دموکراتیک بودن و حاکمیت مردم حرف بی‌معنایی خواهد بود. در حقیقت یکی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده جامعه مدنی، وجود آزادی‌های فردی و فراهم بودن زمینه برای شهروندان جهت مشارکت در سیاست و امور حکومتی و همچنین شرکت در تشکل‌های حزبی و صنفی برای تحقق خواسته‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. در واقع مشارکت سیاسی نوعی تظاهر علنی مردم برای تعیین سرنوشت جمعی خود است، تنها از طریق مشارکت است که قدرت سیاسی به صورت مسالمت‌آمیز دست‌به‌دست می‌شود و میزان توسعه سیاسی یک کشور بستگی مستقیمی به این مؤلفه اساسی دارد.

در مطالعات کلاسیک نای و وربا مشارکت سیاسی این‌گونه تعریف شده است: فعالیت‌های قانونی شهروندان خصوصی که به‌طور مستقیم و با هدف انتخاب مقامات دولتی یا تأثیرگذاری بر اقدامات آن‌ها انجام می‌شود. (Nie & Verba, 1972:1). پری مشارکت سیاسی را شرکت در فرایند تدوین، تصویب و اجرای سیاست‌های عمومی می‌داند (Parry, 1992:16). به عقیده باربالت مشارکت شهروندان، مستلزم عضویت حقوقی در یک جامعه‌ی سیاسی براساس حق رأی همگانی و همچنین عضویت در یک جامعه‌ی مدنی براساس حکومت قانون است. (Barbalet, 1988:2) مشارکت در جامعه مدنی بیانی از شهروندی است. به‌طور کلی مشارکت سیاسی شامل انواع فعالیت‌های سیاسی شهروندان مانند حق رأی، حق دسترسی به مناصب، عضویت در احزاب سیاسی، تظاهرات و اعتراضات است (Yan, 2009:38).

مشارکت سیاسی هسته اصلی جامع دموکراتیک است. مشارکت به سمت جوامعی پیش می‌رود که تحصیلات بهتر، مرفه‌تر و مهارت‌های شهروندی بیشتری در اختیار دارند؛ به‌عبارت‌دیگر مشارکت سیاسی در تمام سطوح براساس پایگاه اجتماعی، اقتصادی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، ناحیه و محل سکونت، شخصیت و محیط سیاسی که در آن مشارکت سیاسی صورت می‌گیرد، فرق می‌کند.

لرنر در نظریه نوسازی خود با تکیه بر چهار متغیر شهرنشینی، سواد، دسترسی به رسانه‌ها و مشارکت این عوامل را به یکدیگر وابسته می‌داند و معتقد است هر چه از نظر شخصیت سنتی به‌طرف شخصیت متجدد و مدرن حرکت کنیم، همبستگی این چهار متغیر رو به افزایش می‌گذارد. روند رو به افزونی شهرنشینی موجب افزایش سواد و به‌تبع آن باعث تماس بیشتر با رسانه‌ها می‌شود و درنهایت تقویت مشارکت را در پی دارد؛ بنابراین به عقیده لرنر جامعه جدید، جامعه مشارکتی است و فراگرد نوسازی، حرکت از جامعه سنتی به جامعه مشارکتی است (ی سو، ۱۳۷۸: ۶۹) در هر صورت مشارکت سیاسی فعالانه نیاز به حضور گسترده مردم در عرصه‌های تصمیم‌گیری و فعالیت‌های حزبی و سیاسی به‌ویژه انتخابات دارد تا همه سلیقه‌های سیاسی و متکثر جامعه به‌طور فعالانه قادر به تصمیم‌سازی در سطوح کلان سیاسی جامعه باشند.

ارنشتاین در مقاله‌ای برای اولین بار در ۱۹۶۹ مفهوم مشارکت را به‌روشنی سطح‌بندی و تبیین کرد. ارنشتاین مشارکت را به الگوی پیچیده‌ی روابط در امتداد و سطح و ابعاد شهروندی نسبت به دخالت در امور، میزان و نوع مشارکت مرتبط می‌داند که از عضویت صرف و مشارکت نکردن تا مشارکت واقعی در رفتار شهروندان را می‌تواند در برگیرد. وی مشارکت شهروندی را با

تعبیر «قدرت شهروندی» به کار گرفت و برای توضیح آن از «استعاره نردبان مشارکت» استفاده کرد. از نظر ارنشتاین در پایین‌ترین سطح نردبان، هیچ قدرتی برای شهروندان متصور نیست؛ به عبارت دیگر مشارکت نکردن در دو رده خود را نشان می‌دهد که وی آن‌ها را ظاهر فریبی و درمان می‌نامد. به نظر مارشال، شهروندی پایگاهی است که به تمامی افراد داده شده است که عضو تمام‌عیار اجتماع هستند. این افراد همگی جایگاه برابر و حقوق، وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه دارند (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸:۵۳).

مارشال حقوق شهروندی را در سه بعد مدنی، سیاسی و اجتماعی تعریف می‌کند. قرن هجدهم توسعه حقوق مدنی در غرب است که به معنای به رسمیت شناختن حقوق طبیعی از جمله حق حیات و زندگی است. توسعه حقوق سیاسی در قرن نوزدهم تحقق پیدا کرد. در این دوره حق مشارکت سیاسی برای انتخاب کردن کارگزاران و یا انتخاب شدن در مقام نمایندگی و یا کارگزاری مجال بسط و گسترش پیدا می‌کند. از نظر مارشال قرن بیستم رشد و توسعه حقوق شهروندی با همه اشکال و جوانب آن آرمان دولت‌ها و احزاب و نهادها زیربنای همه تلاش‌ها و تقلاهای برای توسعه در معنای اعمان است (موسوی، ۱۳۹۱).

از نگاه جامعه‌شناسی سیاسی، دو نوع نظام سیاسی وجود دارد: ۱- نظام سیاسی دموکراتیک و نظام سیاسی غیردموکراتیک (اقتدارگرا). در نظام سیاسی دموکراتیک، منبع مشروعیت قدرت سیاسی، جامعه است و در نتیجه نهادهایی برای مشارکت افراد و گروه‌های اجتماعی در امر سیاست وجود دارد؛ درحالی‌که در نظام سیاسی غیردموکراتیک یا اقتدارگرا، قدرت سیاسی مشروعیت خود را از منابعی غیر از جامعه به دست می‌آورد و در نتیجه، نهادهایی برای مشارکت افراد و گروه‌های اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی وجود ندارد (بشیریه، ۱۳۹۷).

یورگن هابرماس با استفاده از مفهوم «حوزه عمومی» می‌گوید: هرچه حکومت دامنه این حوزه را گسترش دهد و مشارکت شهروندان در این حوزه بیشتر باشد، اعتماد سیاسی جامعه به حکومت و مشروعیت آن نیز بیشتر خواهد بود. بنابراین از دید وی، قدرت خامی که از راه کانال‌های ارتباطی نهادینه نشده باشد، مخالف اصل حاکمیت مردمی و نامشروع است. یکی از شاخص‌هایی که می‌توان با آن میزان مشارکت سیاسی جامعه را سنجید انتخابات است؛ موریس دوورژه انتخابات را میوه همگانی شدن حق رأی می‌داند در نتیجه فرایند تشکیل نخستین احزاب سیاسی را به رقابتی شدن انتخابات گره می‌زند (ایوبی، ۱۳۹۰: ۹۴). با توجه به اینکه هیچ انسانی به مجرد انسان بودنش خالی از خطا و اشتباه نیست، حاکمان نیز از این امر مستثنا

نیستند. برای آنکه اشتباه حاکمان به حداقل برسد ضروری است از افکار و اندیشه‌ها و راهنمایی‌های توده‌ها و طبقات مختلف جامعه استمداد جویند. همچنین مردم برای اینکه بتوانند در فرایندهای سیاسی مشارکتی فعال داشته باشند و قدرت را نیز کنترل کنند فرایندی با نام انتخابات در یک نظام سیاسی حائز اهمیت می‌شود انتخابات ابزاری است که به‌وسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد. انتخابات سلسله اقدامات و عملیات منسجم و پیوسته‌ای است که در یک محدوده جغرافیایی مشخص و در زمان محدود و معین صورت می‌گیرد و منجر به برگزیده شدن فرد یا افراد و یا موضوعی خاص از سوی اکثریت مردم می‌شود. انتخابات رایج‌ترین واژه سیاسی در کشورهای دموکراتیک و طریقه اصلی تعیین مقامات انتخابی است. (صابری، بی تا. ۱۳۸۸): ۳۷۶-۳۷۷. در نهایت می‌توان بروی این تعریف مایکل راش تأکید داشت که: مشارکت سیاسی شرکت فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی است و در اصلاح به معنای مساعی سازمان‌یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر ترکیب هدایت سیاسی دولت است؛ یعنی مردم در انتخاب رهبران سیاسی جامعه و سیاست‌گذاری‌ها فعالانه حضور داشته و خود را نسبت به حکومت و سیاست‌های آن بیگانه احساس نمی‌کنند. به عبارت دیگر مردم با انتخاب رهبران و تأیید سیاست دولت هدایت آن را بر عهده می‌گیرند (راش، ۱۳۷۷).

از این رو می‌توان گفت در جوامعی که صف‌بندی‌های قومیتی نسبت به حقوق قومی وجود دارد و اقوام خود را جدای از ساختار نظم سیاسی و اجتماعی می‌بینند، انسجام اجتماعی و سیاسی در آن جامعه در معرض شکنندگی قرار می‌گیرد و منتج به بروز مشکلات شهروندی و ساختاری در سطح اجتماع ملی خواهد شد؛ بنابراین برای جلوگیری از بروز چنین مسائلی در ابتدا باید سیاست‌های قومیتی در نسبت با حقوق شهروندی و نظم سیاسی لحاظ شود و سپس سهم کردن اقوام در همه امور اجتماعی و سیاسی مدنظر قرار بگیرد. تد رابرت گار جامعه-شناس سیاسی آمریکایی معتقد است عوامل ظهور و پیدایش تضاد میان دولت و ملت را باید در ریشه‌های تاریخی جوامع جست‌وجو کرد (Gurr, 2000). به نظر می‌رسد برای ایجاد همسویی و سازگاری میان دولت‌ها و ملت‌ها، شکل‌گیری ملی‌گرایی در جوامع ضروری است. ارنست گلنر معتقد است «ملی‌گرایی» فرزندی است که از ازدواج میان دولت و فرهنگ به وجود می‌آید.

دولت و ملت دو وجود مستقل و متمایز از یکدیگرند. دولت کارگزاری است با قدرت در سرتاسر آنچه در تابعیت اوست و همچنین این قدرت در درون سرزمین و قلمرویی است که مرزهای مشخصی را داراست و این در حالیست که ملت یک جمع اجتماعی است که به یک قلمرو مشخصی وابستگی دارند. دولت و ملت از راه‌های گوناگون به یکدیگر متصل می‌شوند و پویایی و پیشرفت یک جامعه در گرو حرکت همسو و متحدانه این دو در کنار یکدیگر است. دولت و ملت به قدری به یکدیگر وابسته هستند که نبود و عدم همسویی یکی از آن‌ها نیز دیگری را تهدید می‌کند و موفقیت‌های اقتصادی و سیاسی یک کشور در گرو اتحادی است که بین دولت و ملت می‌تواند وجود داشته باشد (Bijsterbosch, 2004:4).

ظهور ملیت‌گرایی قومی و شکل‌گیری دولت-ملت‌ها اگرچه در ابتدا پیشرفت‌های سیاسی و فرهنگی به دنبال داشت، اما نباید از ابعاد اقتصادی آن غافل شد (Matis, 2003:239). پروژه دولت-ملت‌سازی و ظهور دولت‌های ملی باعث شکل‌گیری توسعه اقتصادی در درون مرزهای یک دولت می‌شود. برای مثال می‌توان به شکل‌گیری پول رایج ملی، ثبات در یکپارچگی مالی و مالیاتی و انسجام در بازارهای داخلی کشور اشاره کرد. طی این فرآیند زمینه برای تلاش داوطلبانه اقتصادی و سعی در رفع نیازهای اقتصادی کشور، مهیا می‌شود (Matis, 2003:270) به نظر می‌رسد آنچه بیش از همه همسویی و اتحاد دولت-ملت را تهدید می‌کند تضاد و ناسازگاری‌های قومیتی، نژادی، دینی، طبقاتی، جنسیتی و ... است، که در برخی جوامع دیده می‌شوند. بر همین اساس دولت‌ها باید رضایت همه اقشار جامعه را جلب کنند تا از این طریق زمینه همسویی و سازگاری میان دولت و ملت فراهم آید. همچنین عدم همسویی می‌تواند دارای زمینه‌های فرهنگی و تاریخی در یک کشور باشد، که به موجب آن مردمان یک کشور همواره دولت‌ها را نامشروع قلمداد کرده و به مخالفت با آن می‌پردازند. از آنجایی که همسویی دولت و ملت می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری یک هویت ملی واحد در یک کشور باشد، در این زمینه این سازگاری می‌تواند زمینه‌ساز بهبود وضعیت تولید ملی و حرکت به سمت توسعه اقتصادی در یک جامعه باشد (Biswas, 2002: 9).

قوم‌گرایی: واژه قوم‌گرایی ترکیبی از دو واژه یونانی Ethnos به معنی امت، ملت، قوم، کشور و به‌طور خاص میراث قومی؛ و Centristism به معنی مرکزیت و نقطه شروع است؛ که در مجموع اساس اشاره به قضاوت یک گروه از نقطه نظر فرهنگ خودی به سایر گروه‌هاست. (Klopf, 1998) (Bircan & Hooghe, 2010:3) قوم‌گرایی در اینجا در مفهوم احساس تعلق به یک قوم و برتر دیدن خویش و احساس تزییع حقوق که منجر به تلاش برای کسب از دست‌رفته‌ها تعریف می‌شود.

اولین بار اصطلاح قوم‌گرایی را ویلیام سامنر، جامعه‌شناس آمریکایی، وارد علوم اجتماعی کرد. او در کتاب رفتارهای سنتی توده در سال ۱۹۰۶ قوم‌گرایی را چنین تعریف می‌کند: ارزش‌ها و موازین فرهنگ خود را محور قضاوت در مورد دیگران قرار دادن، در این تعریف این منظور بود که فرهنگ خود را برتر از همه فرهنگ‌های دیگر دانستن (ماتیل: ۱۳۸۳). قوم‌گرایی در جوامع چند قومی معمولاً یکی از جنبش‌های بالقوه‌ای است که آمادگی نقد ملت‌گرایی را در صورت عدم توجه به حقوق موردنظرش در خود حمل می‌کند. این پدیده مخصوص کشورهای جهان سوم نیست، بلکه در بسیاری از موارد، نمونه‌هایی از آن را می‌توان اشاره کرد. به‌هرحال اقلیت‌های قومی اعم از نژادی، زبانی و دینی (همانند ارامنه و یهودیان) از استعداد‌های بسیاری برای نفی یا نقد ملت‌گرایی‌های متمرکز بر یک قوم، زبان یا دین برخوردارند (قادری، ۱۳۸۱: ۱۳۵؛ به نقل از ازغندی و کرمی، ۱۵).

ویلیام سامنر این اصطلاح را به‌عنوان یک سازه کاملاً جامعه‌شناختی مطرح می‌کند که برای توصیف تضاد بین گروه‌ها و تبعیض اعضای درون گروه علیه اعضای سایر فرهنگ‌ها به کار می‌رود. در واقع جامعه‌شناسان قوم‌گرایی را نگرش منفی افراد نسبت به سایر گروه‌ها که متضمن دشواری در شناخت فرهنگ آن‌ها و درک تفاوت‌های فرهنگی است، قلمداد می‌کنند که متفاوت از نژادپرستی و تبعیض آشکار است. وی برای توصیف این دیدگاه که فرهنگ خودی می‌تواند نقش محوری و مرکزی در برابر نقش غیراساسی و کم‌اهمیت سایر فرهنگ‌ها و سنن مذهبی داشته باشد، در تحقیقات علوم اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت. (Hooghe, 2008:1). جیمز کلاس نیز تعریف تقریباً مشابهی ارائه می‌دهد. به نظر او قوم‌گرایی عبارت است از: احساس تعلق یک فرد به یک قوم و برتر دیدن خویش، به‌ویژه زمانی که وی احساس کند حقوقش ضایع شده است و این امر به تلاش وی برای کسب آنچه از دست داده است، منجر شود. (Kellas, 2004:3)

قومیت متغیری اجتماعی- زیستی ۱ است و در جوامع مرکب از اقوام گوناگون، متغیر تأثیرگذاری است. وجود عنصر قومیت مقوم پدیده قوم‌گرایی ۲ نیز هست. قوم‌گرایی نیز یک پدیده اجتماعی چندبعدی است که هم می‌تواند آثار اجتماعی مثبت و هم آثار اجتماعی منفی داشته باشد. احساس تعلق به قوم فی‌نفسه امری منفی نیست بلکه چه‌بسا آثار بسیار مثبتی نیز دارد. قوم‌گرایی در معنای تعلق مثبت به قوم با عام‌گرایی ۳ منافاتی ندارد. باین‌حال، قوم‌گرایی

1 biosocial
2 ethnocentrism
3 universalism

وجهی منفی نیز دارد و آن گرایشی خاصگرایانه است که در آن اعضای یک گروه قومی حیات اجتماعی خود را در تقابل و یا حتّاً تخاصم با گروه‌های جمعیتی دیگر می‌بینند. در حالت افراطی آن قوم‌گرایی بدین معنا است که هر چه به قوم خودی تعلق دارد مثبت و با ارزش است و هر چه به گروهی دیگر از مردمان تعلق داشته باشد، منفی و نامطلوب و زشت و بی‌ارزش و یا کم‌ارزش است. این پدیده را می‌توان قوم‌مداری نامید. معمولاً در اثر این پدیده نوعی تاریخ و حافظه خصمانه و پرنفرت علیه گروه یا گروه‌های جمعیتی دیگر بر ساخت می‌شود و اسطوره‌هایی قومی برای تحریک و تقویت مقاومت قوم‌مداران احضار و یا حتی بر ساخت می‌شود (محدثی گیلوایی، ۱۳۹۵).

باتوجه به موارد بالا، قوم‌گرایی یک وضعیت یا حالت روانی است که هم‌زمان دارای نتایج مثبت و منفی است. به‌طوری‌که از یک‌طرف به‌مثابه (نوعی) میهن‌پرستی (قوم‌پرستی) و تمایل به فداکاری یا ایثار برای درون گروه، در خدمت آن بوده و به ساخت و حفظ هویت فرهنگی فرد کمک می‌کند و از طرف دیگر منجر به سوءتفاهم‌ها و کاهش تمایل به برقراری ارتباط بین فرهنگی با دیگران می‌شود. (Lin & Rancer, 2003). قوم‌گرایی با توجه به وجود ارتباط و همکاری بین افراد، هرگاه همراه با خصومت نسبت به برون گروه باشد به طرفداری از درون گروه می‌انجامد. حتی برخی اوقات (در حد افراطی) به درگیری، خشونت، یا پشتیبانی از رفتارهای تبعیض‌آمیز منجر می‌شود (Hooghe, 2008:1). درنهایت بری و کالین دو محقق کانادایی که مطالعات فراوانی در مورد قوم‌گرایی انجام داده‌اند، آن را به معنی «عدم پذیرش تنوع قومی، عدم تحمل برون گروه‌ها به‌طورکلی و ترجیح نسبی درون گروه بر برون گروه» می‌دانند و این مفهوم را مترادف با تنفر یا بی‌زاری عمومی نسبت به تمام برون‌گروه‌ها قلمداد می‌کنند (Berry & Kalin, 1995:303). عدم پذیرش تنوع قومی در نهایت منجر به تصورات قالبی منفی نسبت به سایر گروه‌های قومی و فرهنگی و در نتیجه پیش‌داوری و رفتار منفی در برابر اعضای این گروه‌ها می‌شود (Berry & Kalin, 1995:27).

فرضیه‌ی اصلی این پژوهش این است که «به نظر می‌رسد مؤلفه‌های سه‌گانه ترجیح قومی، گرایش قومی و قوم‌مداری بر مشارکت سیاسی شهروندان استان بوشهر تأثیر دارد». فرضیه‌های فرعی نیز به‌قرار زیر است:

«به نظر می‌رسد مولفه ترجیح قومی بر مشارکت سیاسی شهروندان استان بوشهر تأثیر دارد».

«به نظر می‌رسد مولفه گرایش قومی بر مشارکت سیاسی شهروندان استان بوشهر تأثیر دارد».

«به نظر می‌رسد مولفه قوم‌مداری بر مشارکت سیاسی شهروندان استان بوشهر تأثیر دارد».

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر مکانی یک بررسی مقطعی بوده است. همچنین این پژوهش از نظر کنترل شرایط پژوهش یک مطالعه پیمایشی (توصیفی-تحلیلی) است و با مراجعه به اسناد و کتابخانه‌ها و سایت‌های اینترنتی، منابع و مطالب لازم کسب شده است. همچنین این بررسی از نظر شیوه گردآوری اطلاعات تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است. از آنجا که روش تحقیق و پژوهش ارتباط مستقیم و نزدیک با موضوع دارد، در این پژوهش از دو روش اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. همچنین از آنجا که پرسشنامه پرکاربردترین تکنیک در گردآوری داده‌هاست، بنابراین در این تحقیق جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر در مرحله کمی شامل کلیه شهروندان شهرستان‌های استان بوشهر بوده است. حجم جامعه آماری مطابق با سرشماری سال ۱۳۹۵؛ ۱۱۶۳۴۰۰ نفر بوده است.^۱ به منظور نمونه‌گیری پانزده شهر استان بوشهر برحسب سکنی‌گزینی اکثریت از حیث قومی تقسیم‌شده است و نمونه‌گیری برای حضور هر کدام از اقلیت‌های قومی در نمونه آماری تحقیق انجام شده است. با توجه به گستردگی جامعه آماری پژوهش امکان همه شماری جامعه آماری وجود نداشته است. در نتیجه از روش نمونه‌گیری استفاده شد. روش نمونه‌گیری در این طرح نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، شیوه‌ای از انتخاب است که در آن واحد نمونه، به جای فرد خوشه‌ای از افراد است. با توجه به اینکه جمعیت مورد مطالعه این تحقیق در محدوده وسیعی پراکنده بودند، افراد نمونه به صورت تصادفی به روش مذکور جهت نمونه انتخاب شده‌اند. همچنین با استفاده از فرمول کوکران تعداد افراد نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شد.

تعریف نظری قوم‌گرایی

نوعی تلقی فرهنگی است که براساس آن اعضای یک قوم ارزش‌ها، هنجارها و شیوه زندگی قوم خود را برتر از دیگر اقوام می‌دانند و براساس دیدگاه‌های قالبی درباره دیگر اقوام قضاوت می‌کند (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

۱. به نقل از <https://www.amar.org.ir>

تعریف عملیاتی قوم‌گرایی

قوم‌گرایی در تحقیق حاضر در سه بعد (۱) گرایش قومی، (۲) ترجیح قومی و (۳) قوم‌مداری موردسنجش و در پرسشنامه عملیاتی شده است. گرایش قومی شامل پذیرش قومیت، آداب‌ورسوم و فرهنگ قومی بدون هر تفوق قومیتی است. ترجیح قومی نیز شامل اولویت دادن قومیت، آداب‌ورسوم و فرهنگ و زبان قومی بر ملی و جهانی است. در نهایت، قوم‌مداری نیز شامل برتری‌گزینی قومی، آداب‌ورسوم و فرهنگ و زبان قومی بر ملی و جهانی است.

تعریف نظری مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی، شرکت فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی است و در اصلاح به معنای مساعی سازمان‌یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر ترکیب هدایت سیاسی دولت است؛ یعنی مردم در انتخاب رهبران سیاسی جامعه و سیاست‌گذاری‌ها فعالانه حضور داشته و خود را نسبت به حکومت و سیاست‌های آن بیگانه احساس نمی‌کنند. به عبارت دیگر مردم با انتخاب رهبران و تأیید سیاست دولت هدایت آن را بر عهده می‌گیرند (راش، ۱۳۷۷).

تعریف عملیاتی مشارکت سیاسی

متغیر مشارکت سیاسی با استفاده از مقیاس پیش‌ساخته‌ای توسط (زارع و روهنده، ۱۳۹۵) در دو سطح ذهنی ۱-گرایشی ۲ و عینی ۳-رفتاری ۴ سنجیده خواهد شد. الف) سطح ذهنی-گرایشی با توجه به معرف‌های زیر عملیاتی شده است: داشتن روحیه مشارکتی (۵ گویه)، ارزیابی میزان تأثیرگذاری (۲ گویه)، داشتن آگاهی و اطلاعات (۲ گویه). مقدار آلفای کل شاخص ۰,۷۲ است. ب) سطح عینی-رفتاری با توجه به معرف‌های زیر عملیاتی می‌شود: عضویت مشارکتی (بُعد نظارتی و میزان عضویت و فعالیت) برای عضویت در هر مجمع یک نمره ۳ گویه).

یافته‌های توصیفی

توزیع پاسخگویان براساس جنسیت، ۱۵۱ نفر از پاسخگویان (۳۹,۵ درصد) زن و ۲۲۱ نفر (۶۰/۵ درصد) نیز مرد هستند. توزیع پاسخگویان براساس وضعیت سنی، ۳۳ نفر از پاسخگویان

-
- 1 Subjective
 - 2 Attitudinal
 - 3 Objective
 - 4 Behavioural

(۸,۶ درصد) کمتر از ۲۰ سال، ۲۶۶ نفر از پاسخگویان (۶۹,۶ درصد) بین ۲۱ تا ۴۰ سال، ۷۵ نفر از پاسخگویان (۱۹,۶ درصد) بین ۴۱ تا ۶۰ سال و ۸ نفر از پاسخگویان (۲,۱ درصد) بیش از ۶۰ سال داشته‌اند. بیشترین افراد مربوط به گروه سنی ۲۱ تا ۴۰ سال و کمترین تعداد هم متعلق به گروه سنی بالای ۶۰ سال به بالا بوده است. پاسخگویان از نظر ریشه قومی به ترتیب ۲۵۵ نفر (۶۶,۸ درصد) فارس، ۶۵ نفر (۱۷ درصد) عرب، ۱۵ نفر (۳,۹ درصد) ترک، ۳۲ نفر (۸,۴ درصد) لر، ۵ نفر (۱,۳ درصد) قوم بلوچ نفر (۱,۳ درصد) کرد و ۵ نفر (۱,۳ درصد) سایر اقوام بوده‌اند. بیشترین تعداد مربوط به ریشه قومی فارس و کمترین تعداد هم متعلق به ریشه قومی بلوچ، کرد و سایر بوده است.

عملیات پژوهشی و یافته‌ها

بررسی نرمال بودن متغیر تحقیق:

فرض:

H_0 : متغیر از توزیع نرمال پیروی می‌کند.

H_1 : متغیر از توزیع نرمال پیروی نمی‌کند.

جدول ۱ آزمون نرمال بودن

ردیف	متغیر	تعداد	آماره آزمون	سطح معناداری
۱	قوم‌گرایی	۳۸۲	۰,۰۳۹	۰,۱۹۹
۳	مشارکت سیاسی	۳۸۲	۰,۰۹۱	۰,۱۴۰

با توجه به اینکه برای دو متغیر سطح معناداری از ۰,۰۵ بزرگ‌تر شده است، لذا می‌توان گفت متغیرها با اطمینان ۹۵ درصد از توزیع نرمال پیروی می‌کنند. بنابراین نتیجه می‌گیریم توزیع نمونه مناسب بوده و نمونه‌گیری به شکل صحیح انجام شده است. همچنین می‌توان از روش‌های پارامتریک جهت آزمون فرضیه مربوط به متغیرهای پژوهش استفاده نمود.

بررسی مؤلفه‌های سه‌گانه‌ی فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد ترجیح قومی بر تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان تأثیر دارد.

با توجه به اینکه در این قسمت هدف بررسی تأثیر متغیر مستقل (ترجیح قومی) بر متغیر وابسته (تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان) مدنظر ماست، بنابراین برای این مورد از رگرسیون خطی ساده استفاده می‌کنیم.

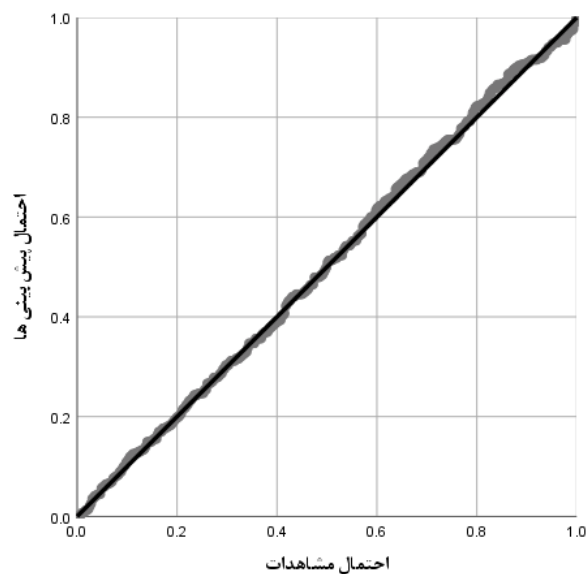
فرض‌ها

H_0 : به نظر می‌رسد ترجیح قومی بر تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان تأثیر ندارد.

H_1 : به نظر می‌رسد ترجیح قومی بر تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان تأثیر دارد.

ابتدا به بررسی شروط اجرای رگرسیون می‌پردازیم تا از برقرار بودن این شروط مطمئن شویم.

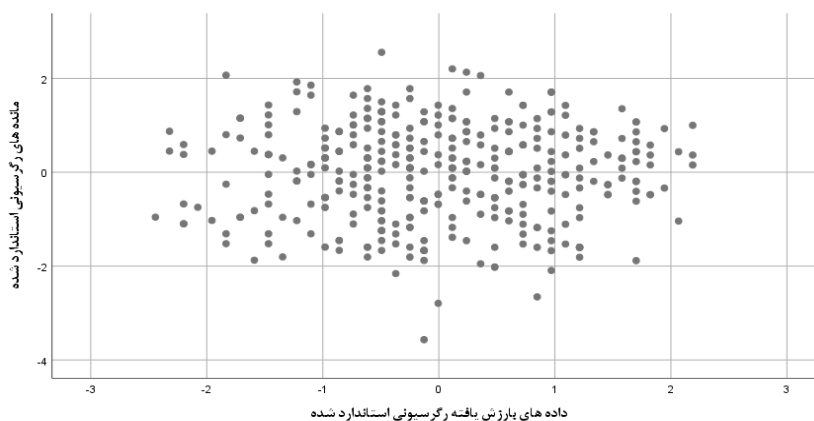
نمودار رگرسیونی استاندارد شده مانده‌ها



نمودار ۱ نرمال بودن مانده‌ها برای قسمت اول فرضیه تحقیق

در نمودار ۱ با توجه به اینکه حباب‌ها تقریباً به خط واصل چسبیده‌اند، فرض نرمال بودن خطاها در مدل فعلی، تأیید می‌شود.

نمودار پراکندگی



نمودار ۲ ثابت بودن واریانس خطاها برای قسمت اول فرضیه تحقیق

نمودار ۲، دو شرط مهم را بررسی می‌کند: اول معنادار بودن مدل خطی و دوم ثابت بودن واریانس خطاها. با توجه به اینکه حساب‌ها الگوی نظام‌مندی (شکل قیفی) به خود نگرفته‌اند، بنابراین هر دو فرض ثابت بودن واریانس خطاها و معنادار بودن مدل خطی پذیرفته می‌شود.

جدول ۲ دوربین-واتسون قسمت اول فرضیه تحقیق

شاخص	دوربین-واتسون
مدل خطی	۱,۷۴۳

با توجه به جدول ۲ از آنجاکه مقدار آماره دوربین-واتسون برابر ۱,۷۴۳ و بین (۱,۵-۲,۵) است، بنابراین فرض ناهمبسته بودن خطاها پذیرفته می‌شود. لذا می‌توان نتیجه گرفت که شروط اولیه رگرسیون برقرار هستند و می‌توان رگرسیون را اجرا کرد. حال به نتایج رگرسیون می‌پردازیم:

جدول ۳. تحلیل مدل فرضیه تحقیق

مدل	مجموع توان دوم داده‌ها	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۲۸۸۰,۰۷۶	۱	۱۲۸,۳۷۴	۰,۰۰۰
مانده‌ها	۸۵۲۵,۲۹۸	۳۸۰		
کل	۱۱۴۰۵,۳۷۴	۳۸۱		

با توجه به اینکه در جدول ۳ سطح معناداری کوچک‌تر از ۰,۰۵ شده و ۱۲۸,۳۷۴ $F(۱ و ۳۸۰) =$ شده است، بنابراین فرض معنادار بودن مدل خطی تأیید می‌شود.

جدول ۴- خلاصه مدل قسمت اول فرضیه تحقیق

شاخص‌ها	سطح معناداری	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف از برآورد
مدل	۰,۰۰۰	۰,۵۰۳	۰,۲۵۳	۰,۲۵۱	۴,۷۳۷

در جدول ۴ با توجه به اینکه سطح معناداری از ۰,۰۵ کوچک‌تر شده است، نتیجه می‌گیریم مقدار ضریب همبستگی بین دوم متغیر «ترجیح قومی» و «تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان استان بوشهر» معنادار است. از طرفی مقدار ضریب همبستگی ۰,۵۰۳ شده، بیانگر این موضوع است که نوع رابطه بین دو متغیر مستقیم و متوسط است. همچنین ضریب تعیین برابر ۰,۲۵۳ شده که نشان می‌دهد عددی نسبتاً قابل قبول است. این عدد نشان‌دهنده درصدی از تغییرات «تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان استان بوشهر» است که توسط «ترجیح قومی» تبیین می‌شود. بنابراین میزان تأثیر متغیر «ترجیح قومی» بر روی متغیر «تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان استان بوشهر» به میزان ۲۵,۳ درصد است.

بررسی قسمت دوم فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد قوم مداری بر تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان تأثیر دارد. با توجه به اینکه در این قسمت هدف بررسی تأثیر متغیر مستقل (قوم مداری) بر متغیر وابسته (تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان) مدنظر ماست، بنابراین برای این مورد از رگرسیون خطی ساده استفاده می‌کنیم.

فرض‌ها

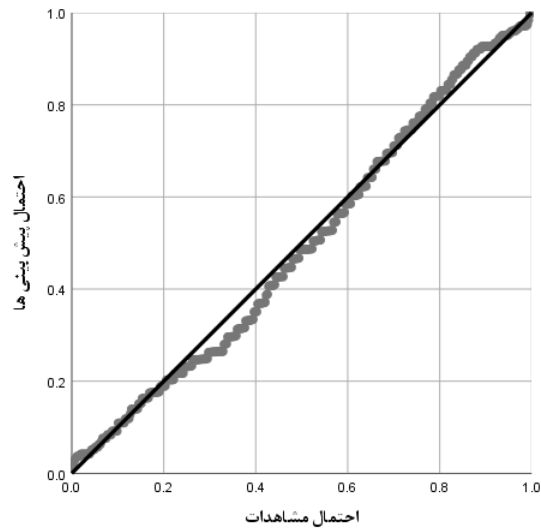
H_0 : به نظر می‌رسد قوم مداری بر تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان تأثیر ندارد.

H_1 : به نظر می‌رسد قوم مداری بر تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان تأثیر دارد.

ابتدا به بررسی شروط اجرای رگرسیون می‌پردازیم تا از برقرار بودن این شروط مطمئن

شویم.

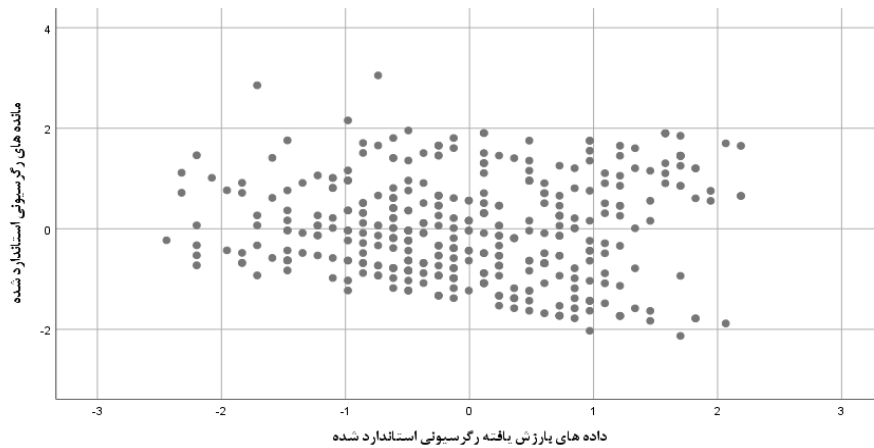
نمودار رگرسیونی استاندارد شده مانده ها



نمودار ۳. نرمال بودن مانده‌ها برای قسمت دوم فرضیه تحقیق

در نمودار ۳ با توجه به اینکه حباب‌ها تقریباً به خط واصل چسبیده‌اند، فرض نرمال بودن خطاها در مدل فعلی، تأیید می‌شود.

نمودار پراکنندگی



نمودار ۴. ثابت بودن واریانس خطاها برای قسمت دوم فرضیه تحقیق

نمودار ۴، دو شرط مهم را بررسی می‌کند: اول معنادار بودن مدل خطی و دوم ثابت بودن واریانس خطاها. با توجه به اینکه حباب‌ها الگوی نظام‌مندی (شکل قیفی) به خود نگرفته‌اند، بنابراین هر دو فرض ثابت بودن واریانس خطاها و معنادار بودن مدل خطی پذیرفته می‌شود.

جدول ۵. دوربین-واتسون قسمت دوم فرضیه تحقیق

شاخص	دوربین-واتسون
مدل خطی	۱,۷۱۹

با توجه به جدول ۵ از آنجاکه مقدار آماره دوربین-واتسون برابر ۱,۷۱۹ و بین (۱,۵-۲,۵) است، بنابراین فرض ناهمبسته بودن خطاها پذیرفته می‌شود. با توجه به نتایج فوق می‌توان نتیجه گرفت که شروط اولیه رگرسیون برقرار هستند و می‌توان رگرسیون را اجرا کرد. حال به نتایج رگرسیون می‌پردازیم:

جدول ۶. تحلیل مدل قسمت دوم فرضیه تحقیق

مدل	مجموع توان دوم داده‌ها	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۱۶۲۵,۰۰۷	۱	۶۴,۳۷۲	۰,۲۸۲
مانده‌ها	۹۵۵۹,۶۵۸	۳۸۰		
کل	۱۱۲۱۷,۶۶۵	۳۸۱		

با توجه به اینکه در جدول ۶ سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰,۰۵ شده و ۶۴,۳۷۲ $F(۱ و ۳۸۰) =$ شده است، بنابراین فرض معنادار بودن مدل خطی تأیید می‌شود.

جدول ۷. خلاصه مدل قسمت دوم فرضیه تحقیق

شاخص‌ها	سطح معناداری	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف از برآورد
مدل	۰,۰۰۰	۰,۳۸۱	۰,۱۴۵	۰,۱۴۳	۵,۰۲۴

در جدول ۷ با توجه به اینکه سطح معناداری از ۰,۰۵ کوچک‌تر شده است، نتیجه می‌گیریم مقدار ضریب همبستگی بین دوم متغیر «قوم مداری» و «تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان استان بوشهر» معنادار است. از طرفی مقدار ضریب همبستگی ۰,۵۰۳ شده، بیانگر این موضوع

است که نوع رابطه بین دو متغیر مستقیم و متوسط است. همچنین ضریب تعیین برابر ۰,۲۵۳ شده که نشان می‌دهد عددی نسبتاً قابل قبول است. این عدد نشان‌دهنده درصدی از تغییرات «تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان استان بوشهر» است که توسط «قوم مداری» تبیین می‌شود. بنابراین میزان تأثیر متغیر «قوم مداری» بر روی متغیر «تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان استان بوشهر» به میزان ۲۵,۳ درصد است.

بررسی قسمت سوم فرضیه تحقیق

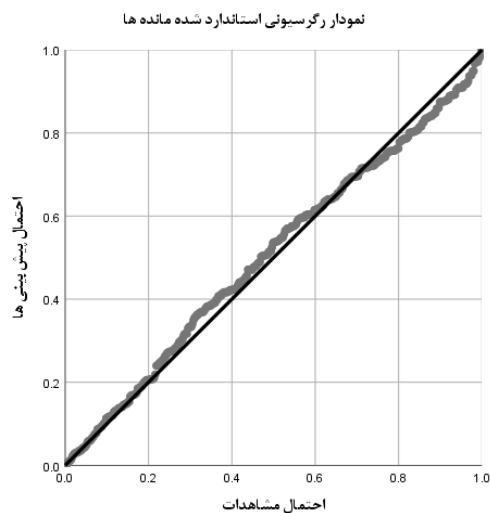
به نظر می‌رسد گرایش قومی بر تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان تأثیر دارد. با توجه به اینکه در این قسمت هدف بررسی تأثیر متغیر مستقل (گرایش قومی) بر متغیر وابسته (تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان) مدنظر ماست، بنابراین برای این مورد از رگرسیون خطی ساده استفاده می‌کنیم.

فرض‌ها

H_0 : به نظر می‌رسد گرایش قومی بر تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان تأثیر ندارد.

H_1 : به نظر می‌رسد گرایش قومی بر تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان تأثیر دارد.

ابتدا به بررسی شروط اجرای رگرسیون می‌پردازیم تا از برقرار بودن این شروط مطمئن شویم.



نمودار ۵. نرمال بودن مانده‌ها برای قسمت سوم فرضیه تحقیق

در نمودار ۵ با توجه به اینکه حباب‌ها تقریباً به خط واصل چسبیده‌اند، فرض نرمال بودن خطاها در مدل فعلی، تأیید می‌شود.

نمودار براکتندی



نمودار ۶. ثابت بودن واریانس خطاها برای قسمت سوم فرضیه تحقیق

نمودار ۶ دو شرط مهم را بررسی می‌کند: اول معنادار بودن مدل خطی و سوم ثابت بودن واریانس خطاها. با توجه به اینکه حباب‌ها الگوی نظام‌مندی (شکل قیفی) به خود نگرفته‌اند، بنابراین هر دو فرض ثابت بودن واریانس خطاها و معنادار بودن مدل خطی پذیرفته می‌شود.

جدول ۸. دوربین-واتسون قسمت سوم فرضیه تحقیق

شاخص	دروبین-واتسون
مدل خطی	۱,۸۱۵

با توجه به جدول ۸ از آنجاکه مقدار آماره دوربین-واتسون برابر ۱,۸۱۵ و بین (۱,۵-۲,۵) است، بنابراین فرض ناهمبسته بودن خطاها پذیرفته می‌شود.

با توجه به نتایج فوق می‌توان نتیجه گرفت که شروط اولیه رگرسیون برقرار هستند و می‌توان رگرسیون را اجرا کرد. حال به نتایج رگرسیون می‌پردازیم:

جدول ۹. تحلیل مدل قسمت سوم فرضیه تحقیق

مدل	مجموع توان سوم داده‌ها	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۶۰۲۶,۹۲۸	۱	۱۳۹,۰۹۹	۰,۰۰۰
مانده‌ها	۱۹۴۶۴,۷۸۹	۳۸۰		
کل	۲۲۴۹۱,۷۱۷	۳۸۱		

با توجه به اینکه در جدول ۱۰ سطح معناداری کوچکتر از ۰,۰۵ شده و ۱۳۹,۰۹۹ $F(۱ و ۳۸۰) =$ شده است، بنابراین فرض معنادار بودن مدل خطی تأیید می‌شود.

جدول ۱۱. خلاصه مدل قسمت سوم فرضیه تحقیق

شاخص‌ها	سطح معناداری	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف از برآورد
مدل	۰,۰۰۰	۰,۵۱۸	۰,۲۶۸	۰,۲۶۶	۶,۵۸۲

در جدول ۱۱ با توجه به اینکه سطح معناداری از ۰,۰۵ کوچکتر شده است، نتیجه می‌گیریم مقدار ضریب همبستگی بین سوم متغیر «گرایش قومی» و «تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان استان بوشهر» معنادار است. از طرفی مقدار ضریب همبستگی ۰,۵۱۸ شده، بیانگر این موضوع است که نوع رابطه بین دو متغیر مستقیم و متوسط است. همچنین ضریب تعیین برابر ۰,۲۶۸ شده که نشان می‌دهد عددی نسبتاً قابل قبول است. این عدد نشان‌دهنده درصدی از تغییرات «تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان استان بوشهر» است که توسط «گرایش قومی» تبیین می‌شود. بنابراین میزان تأثیر متغیر «گرایش قومی» بر روی متغیر «تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان استان بوشهر» به میزان ۲۶,۸ درصد است.

بررسی فرضیه اصلی تحقیق

به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان تأثیر دارد. با توجه به اینکه در این قسمت هدف بررسی تأثیر متغیر مستقل (قوم‌گرایی) بر متغیر وابسته (تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان) مدنظر ماست، بنابراین برای این مورد از رگرسیون خطی ساده استفاده می‌کنیم.

فرض‌ها

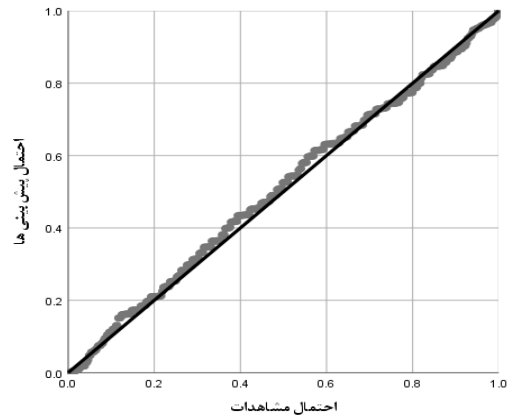
H_0 : به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان تأثیر ندارد.

H_1 : به نظر می‌رسد قوم‌گرایی بر تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان تأثیر دارد.

ابتدا به بررسی شروط اجرای رگرسیون می‌پردازیم تا از برقرار بودن این شروط مطمئن

شویم.

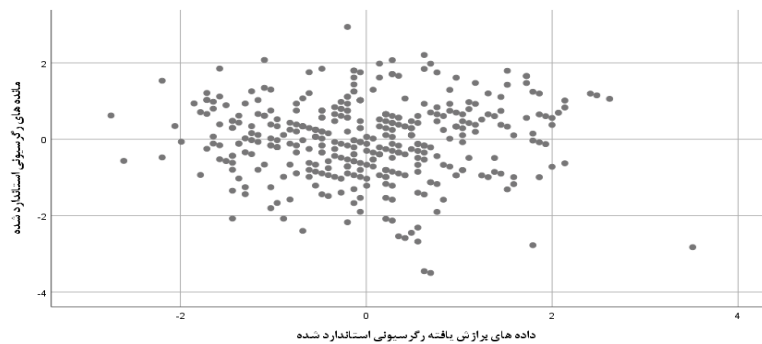
نمودار رگرسیونی استاندارد شده مانده‌ها



نمودار ۷. نرمال بودن مانده‌ها برای قسمت اصلی فرضیه تحقیق

در نمودار ۷ با توجه به اینکه حباب‌ها تقریباً به خط واصل چسبیده‌اند، فرض نرمال بودن خطاها در مدل فعلی، تأیید می‌شود.

نمودار براکندهی



نمودار ۸. ثابت بودن واریانس خطاها برای قسمت اصلی فرضیه تحقیق

نمودار ۸ دو شرط مهم را بررسی می‌کند: اول معنادار بودن مدل خطی و دوم ثابت بودن واریانس خطاها. با توجه به اینکه حباب‌ها الگوی نظام‌مندی (شکل قیفی) به خود نگرفته‌اند، بنابراین هر دو فرض ثابت بودن واریانس خطاها و معنادار بودن مدل خطی پذیرفته می‌شود.

جدول ۱۲. دوربین-واتسون فرضیه تحقیق

شاخص	دروبین-واتسون
مدل خطی	۱,۶۷۸

با توجه به جدول ۱۲ از آنجاکه مقدار آماره دوربین-واتسون برابر ۱,۶۷۸ و بین (۱,۵-۲,۵) است، بنابراین فرض ناهمبسته بودن خطاها پذیرفته می‌شود. با توجه به نتایج فوق می‌توان نتیجه گرفت که شروط اولیه رگرسیون برقرار هستند و می‌توان رگرسیون را اجرا کرد. حال به نتایج رگرسیون می‌پردازیم:

جدول ۱۳. تحلیل مدل فرضیه تحقیق

مدل	مجموع توان دوم داده‌ها	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۲۹۶۲۶,۰۶۱	۱	۲۲۱,۰۱۹	۰,۰۰۰
مانده‌ها	۵۰۹۳۶,۴۳۱	۳۸۰		
کل	۸۰۵۶۲,۴۹۲	۳۸۱		

با توجه به اینکه در جدول ۱۳ سطح معناداری کوچک‌تر از ۰,۰۵ شده و $F(۱ و ۳۸۰) =$ ۲۲۱,۰۱۹ است، بنابراین فرض معنادار بودن مدل خطی تأیید می‌شود.

جدول ۱۴. خلاصه مدل فرضیه تحقیق

شاخص‌ها	سطح معناداری	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف از برآورد
مدل	۰,۰۰۰	۰,۶۰۶	۰,۳۶۸	۰,۳۶۶	۱۱,۵۷۸

در جدول ۱۴ با توجه به اینکه سطح معناداری از ۰,۰۵ کوچک‌تر شده است، نتیجه می‌گیریم مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر «قوم‌گرایی» و «تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان استان بوشهر» معنادار است. از طرفی مقدار ضریب همبستگی ۰,۶۰۶ شده، بیانگر این موضوع است که نوع رابطه بین دو متغیر مستقیم و متوسط است. همچنین ضریب تعیین برابر ۰,۳۶۸ شده که نشان می‌دهد عددی نسبتاً قابل قبول است. این عدد نشان‌دهنده درصدی از تغییرات «تمایل به مشارکت سیاسی شهروندان استان بوشهر» است که توسط «قوم‌گرایی» تبیین می‌شود. بنابراین میزان تأثیر متغیر «قوم‌گرایی» بر روی متغیر «تمایل به مشارکت

سیاسی شهروندان استان بوشهر» به میزان ۳۶,۸ درصد است و ۶۳,۲ درصد تغییرات ناشی از متغیرهای دیگر است.

نتیجه‌گیری

در تفسیر نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت ۳۶,۸ درصد مشارکت سیاسی جامعه قومی استان بوشهر نسبت به مسائل سیاسی گرایش قومیتی دارند، ویژگی ذاتی برخی مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته جوامع قومی این است که در موضوعات سیاسی به‌ویژه انتخابات مشارکت فعالانه و بالایی دارند. به نظر مشارکت سیاسی فرصت مناسبی برای بیان هویت قومی و اعلام حضور اقوام در فضای سیاسی؛ تا از این راه مطالبات انباشته قومی و تاریخی خود را از طریق کنشگری سیاسی و اجتماعی مطرح و محقق کنند. متفکران و صاحب‌نظران توسعه بر این باورند که مشارکت فعالانه در حوزه سیاسی یکی از ارکان اصلی توسعه به شمار می‌آید؛ از سویی مطالعات متعدد در جامعه ایران نشان می‌دهد که بیشترین مشارکت سیاسی در مناطقی است که دارای بافت قبیله‌ای و قومیتی است، چراکه مشارکت سیاسی یکی از اساسی‌ترین سازوکارهای نظام سیاسی پویاست و مهم‌ترین مفهوم جامعه‌شناسی سیاسی است که برای رسیدن به قدرت و سیاستگذاری‌های عمومی از طریق کنشگری سیاسی؛ قومیت‌ها در تلاش‌اند تا بخشی از مطالبات مدنی خود را به‌واسطه توسعه اجتماعی و اقتصادی از درون مشارکت سیاسی پی بگیرند، فرهنگ سیاسی قومی جامعه ایران نیز متأثر از بافت اجتماعی و فرهنگ عمومی و قومی آن جامعه است، بنابراین متغیرهایی چون: احساس نابرابری و شهروند درجه‌دو بودن، ترجیح و منافع قومی، گرایش و دلبستگی قومی و همچنین تضييع حقوق اجتماعی و فرهنگی در میان اقوام ایرانی با تأکید بر قومیت‌های ساکن در استان بوشهر را می‌توان از دلایل تأثیر بالای قوم‌گرایی بر مشارکت سیاسی شهروندان استان بوشهر دانست.

پیشنهادات کاربردی

- ارج نهادن به نخبگان قومی به‌عنوان راهبر جنبش‌های قومی و توجه به نقش تعدیل‌کننده آن‌ها به‌ویژه این که اقلیت‌ها از ایده سیاسی نخبگان خود به‌شدت حمایت می‌کنند.
- فراهم کردن بستری برای معرفی فرهنگ‌های اقوام به‌صورت برگزاری جشن‌هایی با هویت فرهنگی قومی
- توجه مساوات‌طلبانه به اقوام بسان یک شهروند.

- تقویت مشارکت اقوام در عرصه‌های سیاسی اجتماعی از طریق استفاده از نخبگان فکری و ابزاری قومیت‌ها
- تلاش برای معرفی کردن اقوام به‌عنوان یک فرصت نه تهدید، باید نگاه امنیتی از اقوام برگرفته شود و تکثر فرهنگ قومی را از باب تنوع دید، تنوعی از جنس خلاقیت و متفاوت بودن

منابع

- نوربخش، یونس. (۱۳۸۷). فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول شماره ۴ ص ۷۰.
- فرهادی، محمد؛ کاظمی، علی (۱۳۹۲) توسعه اقتصادی - اجتماعی، قومیت و مشارکت سیاسی. مجله: مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران « زمستان ۱۳۹۲، دوره دوم - شماره ۴ علمی- پژوهشی/ISC (۲۷ صفحه - از ۵۷۱ تا ۵۹۷).
- راش، مایکل. (۱۳۷۷). جامعه و سیاست. ترجمه منوچهر صبوری. نشر سمت.
- موسوی، سید یعقوب (۱۳۹۱)، درآمدی بر بنیادهای نظری حقوق شهروندی در شهر، پژوهشگاه مطالعات علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
- بشیریه، حسین، (۱۳۹۷)، جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، چاپ بیست و هفت، تهران: نشر نی.
- یوسفی، علی و اصغرپور ماسوله، احمدرضا (۱۳۸۸). قوم مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران. دانشنامه علوم اجتماعی. دوره ۱، شماره ۱، ص ۱۲۵.
- ی. سو، آ (۱۳۷۸). تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه: حبیبی.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۹۰)، «بایسته‌های تحزب پایدار»، فصلنامه سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۸۳، ص ۹۴.
- قادری، حاتم، (۱۳۸۱). «چالش‌های دولت و هویت ملی در گذشته و حال»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، ص ۱۳۵.
- ماتیل، الکساندر، (۱۳۸۳). دایره المعارف ناسیونالیسم، ترجمه کامران فانی، نورالله مرادی، تهران، کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.
- محدثی گیلوایی، حسن. (۱۳۹۵) «نظریه‌ای اجتماعی درباره قوم‌گرایی در ایران».
- زارع، بیژن و مجید روهنده (۱۳۹۵). پژوهشی در باب دینداری و مشارکت سیاسی، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال پنجم، شماره ۸، صص ۴۶-۲۳

- صابری، غلامرضا (بی‌تا)، (۱۳۸۸). «نقش احزاب در انتخابات و نظام‌های سیاسی» مجموعه مقالات همایش افغانستان و انتخابات شورای ملی، در <http://www.bsharat.com/id/6/22.pdf>
- Verba, S. & Nie, N. (1972) Participation in America: political democracy and social equality. New York: Harper and Row Publishers
- Parry, G. Moyser, G. & Day, N. (1992) Political participation and democracy in Britain, Cambridge: Cambridge University Press.
- Barbalet, J. M. (1988) Citizenship: rights, struggle and class inequality. Milton Keynes England: Open University Press.
- Yan, Z. (2009) Minority representation and political participation of ethnic minorities: a case study of Chinese Canadians in democratic Canada, Department of Political Science, University of Regina.
- Gurr, Ted Robert. (2000). People Vrsus State: Minorities at Risk in the New Century. Washington D.C: Unitd Stat Institut of Peace Press.
- Converci, Daniele. (2012). "Modernism and Nationalism". Journal of Political Ideologies.
- Bijsterbosch, Erik & Van Den Oever. (2004). "Nation State and Space". Radboud University Nijmegen.
- Matis, Herbert & Teichova, Alice. (2003). Nation, State and the Economic In the History. Chicago University press.
- Biswas, Shampa. (2002). "Whither the Nation State? Nation and State Identity In The Face of Fragmentation and Globalization," Global Society, Vol 16, No 2.
- Klopff, D. W. (1998). "Intercultural communication: The fundamentals of intercultural communication". Englewood, CO: Morton.
- Hooghe Marc, (2008). "Ethnocentrism" International Encyclopedia of the Social Sciences. Philadelphia: MacMillan Reference, 2008.
- Kellas J.Bade (2004). "The Poitics of Nationalism and Ethnicity", (2nd edition). NewYork: ST Martins Press.
- Bircan, T., Hooghe, M. (2010). "Ethnic Diversity, Perceptions of Ethnic Diversity and Ethnocentrism. A Multilevel Analysis of Ethnocentrism in Belgian Communities". World Congress of Sociology. Göteborg, Sweden, 11-17 July 2010.
- Lin, Y., & Rancer, A. S. (2003). "Ethnocentrism, intercultural communication apprehension, intercultural willingness-to-communicate, and intentions to participate in an intercultural dialogue program: Testing a proposed model", Communication Research Reports, 20, 62-72.
- Berry, J. W., & Kalin, R. (1995). "Multicultural and ethnic attitudes in Canada: An Overview of the 1991 national survey", Canadian Journal of Behavioral Science, 27, 301-320.